نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت

فصل اول: مقدمه

۱. نظریه حسابرسی

عده‌ای بر این باورند که تدوین نظریهٔ حسابرسی، اگر امری غیرممکن نباشد، به‌طور حتم بعید به نظر می‌رسد. عده‌ای دیگر نیز چنین تلاشی را اقدامی بیهوده می‌انگارند. بسیاری حسابرسی را موضوعی کاملاً عملی و غیرنظری می‌پندارند.

به باور این گروه، حسابرسی تنها مجموعه‌ای از رویه‌ها، روش‌ها و فنون است؛ شیوه‌ای عمل‌گراست که نیازی به توجیه، توصیف، هماهنگی و یکنواختی و طرح استدلال‌های منطقی در چارچوب نظریه‌ای جامع ندارد.

اما از نظر ما، نظریهٔ حسابرسی دست‌یافتنی است؛ مفروضات بنیادی و آرای یکپارچه‌ای وجود دارد که درک و شناخت آن به‌طور حتم به تکامل حرفهٔ حسابرسی کمک شایانی می‌کند. به باور ما، درک و شناخت نظریهٔ حسابرسی می‌تواند منجر به حصول راهکارهای معقول و منطقی برای حل‌وفصل برخی از دشواری‌هایی شود که حسابرسان هم‌اکنون با آن روبه‌رو هستند.

۲. بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت

پیش از بررسی جزئیات حسابرسی، ضرورت دارد تا نقش و جایگاه آن در عرصهٔ بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت، به‌روشنی تبیین شود.

منظور از بازارهای آزاد، محیط‌هایی است که در آن عرضه و تقاضای حسابرسی به‌عنوان یک خدمت برخوردار از ویژگی‌های اقتصادی، به قانون یا مقررات خاصی وابسته نیست. در واقع، در چنین محیط‌هایی شکل‌گیری بازار برای خدمات حسابرسی تابع انگیزه‌هایی غیر از قوانین و مقررات است.

به همین ترتیب، مراد از بازارهای تحت نظارت، محیط‌هایی است که در آن تهیه و ارائهٔ صورت‌های مالی حسابرسی‌شده ریشه در قوانین و مقررات موضوعه دارد؛ و از این رو، عرضه و تقاضای حسابرسی، به‌عنوان خدمتی اقتصادی، تابع الزامات مقرر در قوانین و مقررات است.

در این راستا، آگاهی از مبانی و مفاهیم مالی و اقتصادی می‌تواند دستیابی به شناخت بهتر از نقش و جایگاه حسابرسی در چنین عرصه‌هایی را تسهیل کند. در واقع، شناخت این مبانی و مفاهیم بستری را فراهم می‌آورد تا توصیف حسابرسی به‌عنوان خدمتی اقتصادی امکان‌پذیر گردد.

در این نوشتار تلاش شده است با تحلیل نظریهٔ نمایندگی و نظریهٔ اطلاعات و بررسی مفاهیم معتبر حاکم بر عرصه‌های مالی و اقتصادی، مبانی نظری حسابرسی ارائه شود.

۳. اهمیت شناخت نقش اقتصادی حسابرسی

در حال حاضر، بخش عمده و بااهمیت مطالعه در حوزهٔ حسابرسی، بر درک و شناخت محصول نهایی این فرایند متمرکز است. اما دستیابی به شناخت منطقی از نقش حسابرسی تابعی از عوامل گوناگون، مانند آگاهی از انگیزه‌های افراد و گروه‌های مختلف برای تقاضا یا عرضهٔ خدمات حسابرسی و نیز تبیین ویژگی‌های اقتصادی حسابرسی است.

فعالیت‌هایی مانند ارائهٔ خدمات حرفه‌ای، تصدی مشاغل تجاری، آموزش حسابرسی و حتی اشتغال در بخش دولتی، نیازمند نوعی مبنای تحلیلی است که افراد و گروه‌های مختلف را در جهت تحقق امور زیر یاری دهد:

۱. شرح و استدلال دربارهٔ ماهیت خدمات حسابرسی.

2. جست‌وجو برای بازار عرضهٔ خدمات حسابرسی و تصمیم‌گیری در زمینهٔ انعقاد قراردادهای حسابرسی.

3. بررسی مسائل مربوط به خدمات حسابرسی.

4. حل‌وفصل مسائل سیاسی و قانونی مرتبط با حسابرسی.

۴. فرضیه‌های جایگزین

در نوشتاری که پیش روی شماست، ابتدا شواهد موجود در ارتباط با عرضه و تقاضای خدمات حسابرسی در محیط‌های خارج از حوزهٔ شمول قوانین و مقررات نظارتی (بازارهای آزاد) به‌اختصار تشریح می‌شود. آنگاه با استفاده از مجموعه‌ای از فرضیه‌های جایگزین، چارچوبی برای ارزیابی عوامل تعیین‌کنندهٔ تقاضا برای خدمات حسابرسی ارائه می‌گردد.

فرضیه‌های جایگزین، فرضیه‌هایی هستند که به‌عنوان گزینه‌های پیشنهادی برای حل‌وفصل مسائل مربوط به شرح و پیش‌بینی تقاضا برای خدمات حسابرسی تلقی می‌شوند.

بررسی ادبیات حسابرسی گویای نقش انکارناپذیر فرضیه‌ها در پیشبرد فرایند تکوین نظریه‌هاست. نقش محوری فرضیه‌ها، انتزاع آن دسته از مشخصه‌های اساسی پدیده‌های عالم بیرونی است که با فرض برقراری مجموعه‌ای از شرایط معین، در راستای پیش‌بینی وضعیت موجود در زمان حال و آینده سودمند واقع می‌شود.

بر پایهٔ تعاریف، فرضیه‌ها را نمی‌توان به‌عنوان توصیف‌های واقع‌گرایانه از جزئیاتی تلقی کرد که بر پدیدهٔ مورد بررسی اثرگذار است؛ بلکه می‌توان فرضیه‌ها را نوعی گزاره‌های عینی و اثباتی در نظر گرفت که در بیشتر موارد بر پایهٔ مجموعه‌ای از مفروضات طرح می‌شود و جنبهٔ شرطی دارد.

چنانچه پیش‌بینی‌های حاصل از فرضیه به‌گونه‌ای معقول و منطقی از صحت برخوردار باشد، در این صورت میزان اعتبار مفروضات مقرر در فرضیه و انطباق آن با پدیده‌های عالم بیرونی چندان بااهمیت نخواهد بود.

برای نمونه، در بسیاری از موارد تحلیل‌های اقتصادی با فرض وجود یک کالای کاملاً بخش‌پذیر صورت می‌گیرد و نبود انطباق میان فرض مورد اشاره با برخی از پدیده‌های عالم بیرونی از اهمیت بسیار ناچیزی برخوردار است.

افزون بر این، شواهد حاصل از مشاهده، آزمایش یا هر روش پژوهشی دیگر ممکن است نتایجی مغایر با پیش‌بینی‌های به‌عمل‌آمده ایجاد کند؛ این تفاوت می‌تواند در برقرار نبودن مفروضات مقرر در فرضیه ریشه داشته باشد.

فرضیه‌هایی که تقاضا برای خدمات حسابرسی را شرح می‌دهد نیز متکی بر مفروضات بنیادی بسیاری است که ضرورتاً با واقعیت‌ها و پدیده‌های عالم بیرونی و بینش بدیهی انسان‌ها همسو نیست.

نبود همسویی میان مفروضات مقرر در این فرضیه‌ها با پدیده‌های عالم بیرونی را نمی‌توان به‌عنوان معیاری برای گزینش از میان فرضیه‌های مختلف تلقی کرد؛ بلکه معیار مناسب برای پذیرش یا رد فرضیه‌ها، میزان سازگاری موجود میان پیش‌بینی‌های به‌عمل‌آمده با شواهد برخاسته از عمل حسابرسی است.

۵. عوامل توجیه‌کننده تقاضا برای خدمات حسابرسی

فرضیه‌های طرح‌شده در این نوشتار را می‌توان به‌منزلهٔ شکل گسترش‌یافتهٔ مفاهیم بنیادی موجود در ادبیات متداول حسابرسی تلقی کرد.

این مفاهیم در سال ۱۹۷۳ میلادی از سوی کمیتهٔ مفاهیم بنیادی حسابرسی به‌عنوان عوامل توجیه‌کنندهٔ تقاضا برای خدمات حسابرسی در چهار محور مشخص ارائه شد:

۱. تضاد منافع: تضاد منافع میان تهیه‌کننده و استفاده‌کنندهٔ اطلاعات می‌تواند به مغرضانه بودن اطلاعات تهیه و ارائه‌شده بینجامد.

۲. پیامد: اطلاعات حاصل از نظام حسابداری و گزارشگری مالی می‌تواند پیامدهای اقتصادی بااهمیتی را برای شخص تصمیم‌گیرنده در پی داشته باشد.

۳. پیچیدگی: فرایند تبدیل داده‌ها به اطلاعات و ایجاد اطمینان دربارهٔ مطلوب بودن کیفیت اطلاعات ارائه‌شده، در بیشتر موارد مستلزم استفاده از خدمات تخصصی است.

۴. عدم دسترسی مستقیم: در بیشتر موارد، استفاده‌کنندگان امکان ارزیابی مستقیم اطلاعات دریافت‌شده و تشخیص کیفیت آن را ندارند.

۶. فرضیه‌های اساسی در شرح تقاضای حسابرسی

در فصل‌های آینده، سه فرضیهٔ اساسی و سودمند در شرح و پیش‌بینی تقاضای مشاهده‌شده برای خدمات حسابرسی تحلیل می‌شود:

* فرضیهٔ مباشرت یا نظارت

* فرضیهٔ اطلاعات

* فرضیهٔ بیمه

افزون بر این، نسبت به اهمیت دستاوردهای جانبی حسابرسی نیز دقت لازم اعمال خواهد شد؛ دستاوردهایی که می‌تواند از نقش تعیین‌کننده‌ای در انعقاد قرارداد برای بهره‌مندی از خدمات حسابرسی برخوردار باشد.

در راستای استدلال پیرامون مفاهیم بنیادی حسابرسی که پایه‌های اصلی فرضیه‌های توجیه‌کنندهٔ تقاضا برای خدمات حسابرسی است، ضرورت دارد تا مقدمه‌ای هرچند مختصر دربارهٔ اقتصاد اطلاعات نیز ارائه شود.

تحلیل عرضهٔ خدمات حسابرسی در بازار، جنبه‌ای کاملاً کلی خواهد داشت؛ چرا که ماهیت فرایند حسابرسی و سازوکارهای حاکم بر آن در مباحث دوره‌های آموزش مبانی اولیهٔ حسابرسی طرح و بررسی می‌شود.

در پایان، اثر قانونمندی بر عرضه و تقاضای خدمات حسابرسی تجزیه‌وتحلیل می‌شود؛ ضمن آنکه وجوه تشابه میان قانونمندی در اقتصاد و قانونمندی در عرصهٔ حسابرسی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

فصل دوم: شواهدی تاریخی از بازار خدمات حسابرسی

۱. شواهد تاریخی تقاضا برای حسابرسی

شواهد تاریخی بازار خدمات حسابرسی نشان می‌دهد که تقاضا برای خدمات حسابرسی تنها به وجود الزامات قانونی وابسته نیست.

۲. دوره پیش از پیدایش کشور آمریکا

چنانچه دامنهٔ بررسی شواهد مربوط به وجود بازار خدمات حسابرسی از مرزهای آمریکا فراتر رود، می‌توان با نوعی نگرش جهانی و تاریخی نسبت به این بازار و ماهیت آن، پیشینهٔ ارائهٔ خدمات حسابرسی را به ۵۰۰ تا ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در کلان‌شهر آتن در یونان باستان ردیابی کرد.

در آن برهه، درآمدها و هزینه‌های هر یک از کلان‌شهرهای یونان از سوی سه هیئت مرکب از حسابداران معتبر ارزیابی و تأیید می‌شد.

صدها سال پس از آن زمان و طی قرون وسطی، گسترش مبادلات تجاری در کشورهای اروپایی نیاز به خدمات حسابرسی را بیش از پیش مطرح کرد.

از میان کشورهای اروپایی آن زمان، حسابرسی در کشور ایتالیا رشد و گسترش چشمگیری یافت و از آن به‌عنوان ابزاری برای آزمون و تأیید اعتبار پاسخگویی ناخدایان کشتی‌های تجاری در برابر صاحبان سرمایه استفاده شد.

این روند تا جایی ادامه یافت که در سال ۱۳۹۴ میلادی، دفاتر و اسناد مالی مربوط به شهر پیزا در کشور ایتالیا به‌گونه‌ای مشابه آنچه در یونان باستان متداول بود، مورد حسابرسی و استماع قرار گرفت.

از سال ۱۵۰۰ تا ۱۸۵۰ میلادی، دامنهٔ اجرای حسابرسی و خدمات مرتبط با آن به‌طور قابل‌توجهی گسترش یافت و در نهایت، رسیدگی به فعالیت‌ها و دادوستدهای مالی بنگاه‌های تولیدیِ معلول انقلاب صنعتی اروپا را نیز دربر گرفت.

۳. قانون انگلستان در سال ۱۸۴۴

در سال ۱۸۴۴ میلادی، دولت انگلستان قانونی را تصویب کرد که به موجب آن، اگرچه صاحبان سهام واحدهای اقتصادی مکلف به ارائهٔ صورت‌های مالی حسابرسی‌شده گردیدند، اما اختیار تصمیم‌گیری در مورد استفاده از خدمات حسابرسان مستقل برای اجرای عملیات رسیدگی به خود صاحبان سهام تفویض شده بود.

با این حال، باید توجه داشت که اقدام به‌عمل‌آمده از سوی دولت انگلستان تنها تلاشی برای رسمیت بخشیدن به فعالیتی بود که بیشتر واحدهای اقتصادی آن زمان برای استفادهٔ داوطلبانه از خدمات حسابرسی به‌عمل می‌آوردند.

از این رو، قانون مزبور دگرگونی چندانی در عرصهٔ الزامات حاکم بر گزارشگری مالی به وجود نیاورد.

اگرچه نمی‌توان منکر این واقعیت بود که قانون مزبور بخش عمده‌ای از واحدهای اقتصادی را که صورت‌های مالی آن‌ها مورد رسیدگی قرار نگرفته بود، مکلف ساخت تا نسبت به اجرای حسابرسی و استفاده از خدمات حسابرسان مستقل برون‌سازمانی اقدام کنند، اما نمی‌توان از آن به‌عنوان عاملی جهت توجیه تقاضا برای خدمات حسابرسی یاد کرد؛ بلکه تنها می‌توان ادعا کرد که قانون سال ۱۸۴۴ میلادی بستر لازم برای افزایش تقاضا برای این‌گونه خدمات را فراهم ساخت؛ زیرا بهای استفاده نکردن از خدمات حسابرسی، که شامل مواردی چون پذیرفته نشدن در بازارهای اوراق بهادار و تحمل جرایم قانونی سنگین بود، افزایش یافت.

۴. نبود نهادهای نظارتی در بازارهای اوراق بهادار

از زمان تصویب قوانین و مقررات نظارتی حاکم بر بازارهای اوراق بهادار دربارهٔ استفاده از خدمات حسابرسان مستقل تاکنون، نه‌تنها وقفه‌ای در اعمال این الزامات به وجود نیامده، بلکه نوعی تداوم و استمرار نیز بر اجرای آن حاکم بوده است.

از این رو، گردآوری شواهد در مورد تداوم استفاده از خدمات حسابرسان مستقل با فرض نبود نهادهای نظارتی و قوانین و مقررات الزام‌آور آن‌ها، در عمل بسیار دشوار است.

با وجود استدلال مطرح‌شده، شواهد بسیاری نشان می‌دهد که بخش عمدهٔ واحدهای اقتصادی خارج از حوزهٔ شمول قوانین و مقررات کمیسیون اوراق بهادار و بورس، داوطلبانه از خدمات حرفه‌ای حسابرسان استفاده کرده‌اند.

برای نمونه، اگرچه در آمریکا شهرداری‌ها و واحدهای وابسته به آن‌ها از اجرای الزامات مقرر از سوی کمیسیون اوراق بهادار و بورس به‌طور کامل معاف‌اند، اما اجرای حسابرسی مستقل در شهرداری‌ها بسیار معمول و متداول است.

به همین ترتیب، اگرچه اجرای حسابرسی صورت‌های مالی در بسیاری از ایالت‌های کشور آمریکا الزامی است، اما در ایالت‌های میسوری، جورجیا و کارولینای جنوبی که این الزام وجود نداشته است نیز واحدهای اقتصادی به‌صورت داوطلبانه نسبت به انعقاد قرارداد با مؤسسات حسابرسی برای استفاده از خدمات حرفه‌ای علاقه نشان داده‌اند.

شواهد مشابهی نیز وجود دارد که مهر تأییدی بر اجرای داوطلبانهٔ حسابرسی از سوی واحدهای اقتصادی است. برای نمونه، بررسی نوع واحدهای مورد رسیدگی توسط یکی از مؤسسات بزرگ خدمات حسابداری و حسابرسی گویای این واقعیت است که ۸۰ درصد واحدهای اقتصادی مورد رسیدگی، صاحب‌کارانی بودند که در حوزهٔ شمول قوانین و مقررات کمیسیون اوراق بهادار و بورس قرار نداشته‌اند.

۵. ارزش اقتصادی خدمات حسابرسی

شواهد بسیاری نشان می‌دهد که استفاده از خدمات حسابرسان مستقل در واحدهای اقتصادی خارج از حوزهٔ شمول قوانین و مقررات نظارتی بازارهای آزاد در طی زمان استمرار داشته است.

وجود چنین شواهدی به‌خودی‌خود گویای این واقعیت است که از دیدگاه دریافت‌کنندگان خدمات حسابرسی، ارزش این خدمات و منافع متصور بر اجرای آن به‌مراتب بیشتر از مخارج آن است.

با این حال، یک پرسش بنیادی که لازمهٔ شناخت عمل حسابرسی است، هنوز هم در برابر اندیشمندان باقی است: علت اصلی تقاضا برای خدمات حسابرسی چیست؟ و کدام‌یک از ویژگی‌های محصول نهایی فرایند حسابرسی عامل ارزشمندی آن است؟

جست‌وجو برای یافتن و ارائهٔ پاسخی قانع‌کننده به این پرسش، نقش تعیین‌کننده‌ای در درک ماهیت حسابرسی دارد. در همین راستا، ریشه‌یابی و تعیین مشخصه‌های فرایند حسابرسی که عامل ایجاد ارزش در محصول نهایی این فرایند است، اهمیت زیادی دارد.

ویژگی‌های استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی حسابرسی‌شدهٔ واحدهای اقتصادی فعال در بازارهای اوراق بهادار، با استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی سایر واحدهای اقتصادی به‌مراتب متفاوت است. چنین تفاوتی سبب می‌شود تا فرایند و شیوهٔ تعیین ارزش خدمات حسابرسی کاملاً متفاوت باشد.

با این حال، طرح سه فرضیهٔ مباشرت، اطلاعات و بیمه که فرضیه‌های جایگزین یا مکمل برای شرح علل وجود خدمات حسابرسی است، سبب می‌شود تا دیدگاه‌های متفاوت مربوط به ارزش محصول نهایی فرایند حسابرسی شرح داده شود.

فرضیه‌های مباشرت، اطلاعات و بیمه در فصل‌های آیندهٔ این کتاب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.